



خاورمیانه بصورت «

«گروگانی در دست واپسگرایان ماجراجو»

سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در مرکز مدیریت پژوهشی

چهارشنبه 2 آبان 1386

برای من جای بسی خوشوقتی است که امشب در میان شما هستم. بیاد می آورم خاطرات فراموش نشدنی اولین سفرم به کشور زیبای شما، حدود ۳۲ سال پیش! بخاطر فرصتی که در اختیار من گذارده اید تا نظرات و دورنماهای فکریم را در مورد موضوعاتی که بطور جدی افکار بین المللی را بخود مشغول داشته، با شما در میان بگذارم، سپاسگزارم. کشور من ایران، تحت حاکمیت دیکتاتوری مذهبی، متأسفانه به سرمنشا خرافات و ترس بجای خلاقیت و امید تبدیل شده است. من با توضیح زمینه هایی که منجر به شرایط فعلی شده اند آغاز می کنم. این در ارتباط با معنی استراتژی است که من آنرا "سیاست های استیلای شیعی" می نامم.

ایران امروز و دیروز

بمن اجازه بدهید که مقدمه این طرح را با کلامی که از جایگاه والایی در قلب و روح من برخوردار است آغاز کنم: کشور من ایران

در اینجا، مایلم یک خط روشن ترسیم کنم: ملت ایران و ایرانیان، نباید با رژیم مذهبی و اعمال آن اشتباه گرفته شوند. تمدن هزاران ساله ایران از بنیادگرایی حاکم شده زیان های بسیار دیده است. ولی کماکان زنده و مقاوم است. نیروی تمدن ایرانی، آن تزی را که رژیم اسلامی امیدوار به اجرا و اعمال آن بوده، متغیر و متحول ساخته است. درک این تفاوت، هم برای تشخیص رفتار حکومت ایران و هم برای مکانیزمی که در منطقه ارائه میدهد اساسی است.

در اواخر اوت سال جاری ارکستر سمفونی «اوزنابروک» از شمال غربی آلمان سفری به تهران کرد و قطعاتی از بتهون و باخ را در تالار رودکی به اجرا گذاشت - تالار اپرای معروف تهران. سال گذشته ارکستر سمفونی تهران در «اوزنابروک» اجرای برنامه کرده بود. این تبادل فرهنگی، رویدادی قابل توجه از بعضی جهات بود. اگر تعجب، کنجکاوی و حتی انتقاد، در این زمینه، خسته کننده نیست که بدانیم آلمان، پیش از این، در این زمینه هم اکنون

اشاره کردم بود. ولی اجازه بدهید که این موضوع را کمی بشکافم

گرچه موسیقی کلاسیک غربی مطمئناً بخشی از فرهنگ سنتی ایران نیست، ولی حقیقت بقای ارکستر سمفونی تهران و تالار رودکی از تهاجم ملایان در این سه دهه شاهد دیگری است که نیروی تاریک اندیشی، تمایل به مرگ، شهادت طلبی و خرافات، روح ملت ما را تسخیر نکرده است

ما شواهد درخشانی از این حقیقت را در فستیوال های جهانی فیلم، مسابقات جهانی ورزشی نیز مشاهده کرده ایم. و همچنین در روحیه تسخیرناپذیر بانوان و در مبارزه شجاعانه جوانان. بانوان برای اعاده حقوقشان در مقابل تعصبی که ترجیح میدهد آنها را به سطح یک وسیله خانه تنزل دهد، قاطعانه ایستاده اند. جوانانمان به مبارزه با رژیم بر خاسته اند که توجهی به آینده آنان ندارد و در عوض دلمشغول مناطق خاصی از جهان باقی است. جوانان ایرانی در مبارزه مستمر برای حفظ حقوق خود در جهت داشتن زندگی درخور سن و دورانی که در آن متولد شده اند، هستند. جهانی که با علم و دانش متمایز شده است، نه شهادت و عزاداری

مردم شاید فراموش کرده اند که شعارهای انقلابی چه محتوایی داشتند. در ابتدای انقلاب اسلامی، در سایه دادگاه های فرمایشی و اعدام های جمعی، پخش هر نوع موسیقی از تمامی رسانه ها ممنوع بود. دانشگاه ها هدف پاکسازی بی رحمانه ای قرار گرفتند و بسته بودند. سیاه ترین نام ها، منفورترین شخصیت ها در حافظه ملی ما، بعنوان قهرمانان انقلاب مفتخر و مقدس شدند

اساس فکری مراکزی که مسیر حفظ و رشد انقلاب را به دست گرفتند، همانند «جهادپرست هائی» بوده اند که جهان اکنون با آن آشنا می باشد. آنها با یک هدف مشخص قدرت را تصاحب کردند که دستاوردهای گذشته ما را کاملاً منهدم سازند و جامعه ایران را به سبک قرون وسطایی خود باز سازی کنند. ولی ایران سرزمینی است که در ۱۹۷۹ تاریخ و فرهنگ دیرینه و تمدن پرافتخار و بویژه بیش از نیم قرن تلاش مستمر و همه جانبه سازندگی را به همراه داشت. بلی، حکومت دینی برسرملت استقرار یافته بود، ولی نمی توانست کاملاً از تاثیر فرهنگ چند هزارساله بگریزد و در امان بماند. این است دلیل آنکه ایران امروز صحنه تضاد هاست و فضای حاکم بر کشور آکنده از ضدیت، درگیری و مشکلات می باشد

پیدایش استراتژی استیلای شیعی

چگونه این پدیده به سیاست های منطقه ای و بیشتر از آن در صحنه بین المللی جهان راه گشود؟

اجازه بدهید که من یادآوری کنم که سی سال پیش ایران هنوز نیروی حفظ ثبات و امنیت در

منطقه بود. ایران، تحت حاکمیت رژیم قبلی، موفق شده بود که توازنی بین اصول حسن همجواری و استراتژی در ارتباط با جنگ سرد را بوجود آورد. ایران بدلائل تاریخی و «ژئو-استراتژیکی» خودش را با غرب و آمریکا یکسو نموده بود. ولی روابط با اتحاد جماهیر شوروی هم دوستانه و سازنده بود. اختلاف دیرینه با عراق بر سر آبراه مشترک مرزی و همچنان مشکل دیرینه مربوط به بحرین، به دلیل اعمال سیاست های صحیح، دوستانه حل شده بود. در خلیج فارس، ایران نظارت بر امنیت تجارت دریایی و حراست از شاهراه های نفتی را بعهد گرفته بود. در عمان، ایران برای رویارویی با تجاوزات نشات گرفته از افکار تندرو و افراطی، بیدریغ و با قاطعیت به کمک سلطان آنکشور شتافته بود. بالاخره، در زمینه صنعت نفت، در کنترل کامل ملی که موجبات بهره گیری کامل از در آمد نفت را برای کشور مهیا ساخته بود، شرایطی را پدید آورده بود که شادروان پدرم، اهداف و آرزوهای والائی برای آینده کشورمان مد نظر داشته باشند. در دو دهه قبل از ۱۹۷۵، سطح درآمد سرانه، ضمن همگامی با کره جنوبی، رشد سریع تری از ترکیه داشت. بطور مشخص در سال ۱۹۷۵، سطح درآمد سرانه در ایران بمراتب بالاتر از کره و ترکیه رسیده بود. ولی متاسفانه کار ناتمام ماند و در نتیجه علاقمندی به دستاوردهای بیشتر و سریعتر، اشتباهاتی نیز رخ داد. اما این ایرانی بود که انقلابیون به ارث بردند. قبل از پایان دادن به سخنانم، من چند کلامی در مورد سوء مدیریت در زمینه اقتصاد تحت حاکمیت رژیم مذهبی بیان خواهم کرد، که امروز ملت ایران را با جدی ترین مشکلات داخلی از زمان انقلاب تا کنون مواجه ساخته است.

اینک، مايلم تاملی کوتاه بر سیاست خارجی و تصمیمات نابخردانه ای که توسط رژیم اتخاذ میشود و چگونگی اثرات آن بر دینامیک منطقه، داشته باشم. ملاحظه خواهد شد که این تصمیمات در برگیرنده منافع ملی نیست بلکه تامین کننده منافع «ایدئولوژی» است. اهم این تصمیمات بر اساس ایدئولوژی سست بنیاد تهاجمی بر علیه آمریکا و اسرائیل است. در حقیقت، از زمان تهاجم به سفارت آمریکا در تهران و گروگان گیری در نوامبر ۱۹۷۹، "ضدیت متعصبانه با آمریکا" نقطه عطف سیاست خارجی رژیم مذهبی بوده است.

با ادعایی نشات گرفته از تعهد به ضدیت با فرهنگ غرب، رژیم بسرعت بسوی تثبیت هویت شیعی خود بوسیله تجهیز کردن سریع گروه های شیعه در عراق، لبنان، بحرین و سایر نقاط برآمده است. آنچه که بنام "هلال شیعه" شناخته شده و اخیرا معروف گردیده، اما تازگی ندارد. زیرا اولین هدف استراتژی استیلای شیعی حکومت ایران، عراق بود. وقتی خمینی بقدرت رسید، هدفش شبیه سازی انقلاب اسلامی در عراق بود. او در پی آن بود که رژیم بعثی را با یک رژیم اسلامی مشابه آنچه او در ایران پیاده کرده، جایگزین کند.

رویدادهائی که نهایتا منجر به حمله عراق به کشور من در سپتامبر ۱۹۸۰ شد، قابل استناد هستند؛ کافی است که گفته شود، علیرغم جانفشانی های بی نظیر ملت ایران که موفق شدند موج حمله را در ۱۹۸۲ بطرف عراق برگردانند، خمینی پیشنهاد صلح و دریافت غرامت و افتخارات منتج از آنرا نپذیرفت. برای پافشاری بر هدف بیهوده ای که بهانه و اساس این

درگیری بوده است: آزاد سازی سرزمین های مقدس شیعیان و بنیان گذاری جمهوری اسلامی در عراق. شش سال افزایش جنگ و صدها هزار کشته شده و مجروحین جنگی بیشتر برای ایران. در نهایت، او به این نتیجه رسید که به هدفش دست نخواهد یافت. در خاتمه، در سخنرانی که باکراه «جام زهر را نوشید»، نقطه پایان به طولانی ترین و خونبارترین رویارویی قرن نهاد.

در نتیجه لجاجت سرسختانه خمینی، صدام حسین سربرآورده از هشت سال جنگ با ایران با احساس قدرت بیشتر، شاید هم میل بخود فریبی، او را برآن داشت که به قماربازنده کویت دست بزند. در هر صورت، حمله او به کویت در اوت ۱۹۹۰ بوجود آورنده سلسله حوادثی بود که ما را به شرایط فعلی که با آن در عراق و منطقه مواجه هستیم رسانده است.

این یک موضوع مخفی نیست که سیاست های اعمال شده و آشننگتن از زمان حمله به عراق در مارچ ۲۰۰۳ تناقض جدیدی را بوجود آورد. حداقل بعضی از اهداف دست نیافتنی رژیم ایران، در جنگ هشت ساله، اکنون امکان پذیر شده که در نتیجه شکست های آمریکا در عراق است. در نتیجه، هیچ کس امروزه منکر این حقیقت نیست که ایران نفوذ گسترده ای در عراق دارد و بعضی از سیاست گذاران فعلی در حکومت عراق افرادی هستند که پیشینه دراز مدت همکاری با رهبران اسلامی در تهران دارند.

پدید آوردن حزب الله، در لبنان هم ساختار مهمی بود که اکنون به "هلال شیعی" بیشتر شناخته شده کنونی شکل می بخشد. برخلاف آنچه اغلب تصور میکنند، حزب الله محصول اختلاط نژادی در لبنان و بی عدالتی بر علیه اقلیت شیعه نبود. خیلی قبل از آنکه حزب الله پا بعرصه حیات بگذارد گروه شیعه دیگری زیر نظر امام موسی صدر در لبنان فعال بود. امل که بعنوان یک جنبش شناخته شده بود، فقط یک سپاه سیاسی نبود. بلکه درگیر مسائل اجتماعی و طرح های جامعه به نیابت از شیعه لبنان بود.

رژیم انقلابی در ایران در جستجوی یک قائم مقام در لبنان بود و امل مناسب این موقعیت نبود. نتیجتاً، اوایل ۱۹۸۰، پیروان رژیم که در حوالی دمشق مشغول عملیات بودند- تصمیم گرفتند گروه جدیدی بوجود آورند که در ۱۹۸۲ در پی حمله اسرائیل به لبنان وارد عمل شد. برای جانشینی امل بعنوان جنبش اصلی شیعه در لبنان، حزب الله نیازمند پول زیادی بود، برای پروژه های اجتماعیش، نگهداری و آموزش نیروهای نظامی و سایر مخارج که اخیراً محافظه کارانه نیم بلیون دلار در سال برآورد شده است.

بانی این خیر کسی جز رژیم مذهبی در تهران نمی باشد که هم چنین قادر بوده است، پشتیبانی و کمک پنهانی سوریه را نیز داشته باشد.

سومین عنصر در ساختار استراتژی «استیلا شیعه»، پشتیبانی از عرب های افراطی غیر شیعه درگیر در جهاد، علیه اسرائیل می باشد. مجدداً، جنبش اصلی فلسطین فتح به رهبری

امثال یاسر عرفات و محمود عباس بعنوان سکولار و بی فایده تلقی شده اند. در طی سالیان با بررسی عناصر افراطی، رژیم اسلامی امروزه به پذیرش و حمایت از حماس و جهاد اسلامی رو آورده است.

نهایتاً، برای رسیدن به «روای عظمت دینی»، رژیم مذهبی مبادرت به برنامه پنهانی تسلیحات اتمی نموده، بی توجه به تعهداتش به معاهده عدم غنی سازی و هم چنین منافع و امنیت ملت ایران. اکنون کاملاً مشخص شده که بغیر از آنکه برای دهه ها به این پنهان کاری ادامه داده اند، مسئولین اسلامی حتی مخفیانه برای خرید سانتریفیوژ و طرح تسلیحاتی به بازار سیاه روی آورده اند و با کمک افرادی تحت عنوان مقاطعه کاران اتمی، بمانند عبدالقدیرخان، که اکنون تحت نظر خانگی در پاکستان است، به پیشرفت های قابل توجه دست یافته اند. زمانی که در سال ۲۰۰۳ میزان پیشرفت برنامه اتمی رژیم برملا شد، پاسخ رژیم، ارائه چهره بی گناهی بود که توسط آمریکا و دیگران مورد ستم قرار می گیرد، آنهایی که می خواهند مانع شوند "ایران به حق انکارناپذیر خود برای تحقیقات اتمی جهت اهداف صلح آمیز" برسد.

درحالی که این حق در لوای پیمان عدم غنی سازی شناخته شده، ولی اجرای آن هرگز بدون شروط نبوده است. در حقیقت، ماده ۴ قرارداد «ان-پی-تی» تصریح میکند که این حق قابل اجراست، بشرط رعایت دو موضوع اصلی پیمان: بنام های، عدم تولید و عدم تحصیل تسلیحات اتمی.

امروز، جامعه بین المللی نگرانی جدی خود را بدلیل شواهدی که بیانگر رسیدن رژیم مذهبی به مرحله تهیه تسلیحات اتمی است که تضمین کننده حکمرانی خونین اش در داخل ایران و تحکیم استیلای منطقه ای اش است، ابراز می دارد.

تظاهر تزویرآمیز رژیم ایران در مورد نیاز به سوخت اتمی مستقل، تضاد کامل با بستگی ایران به منابع انرژی هیدروکربن دارد. رژیم حاکم بر ایران بتازگی مبادرت به اجرای نمایش مفتضح واردات بنزین و کمک به هزینه سوبسید کرده است. تقریباً ۳۰ سال تحت لوای مذهبیبون، ایران - میان تمام نقاط - ۴۰ درصد بنزین تصفیه شده مصرفی روزانه خود را وارد میکند. در زمانی که کشور آنچنان وابسته به میزان بالای از واردات بنزین برای نیاز روز به روز است، این خنده آوراست که ناظر موعظه سران رژیم در مورد نیاز کشور به عدم وابستگی در مدار انرژی اتمی - مخصوصاً زمانی که حتی یک راکتور هنوز فعال نشده باشد.

این حالت شتر مرغ مآبانه فقط احمق ها را فریب می دهد.

جمهوری اسلامی و سیاست استیلای شیعه

اینک مایلم به مرکز سیاست منطقه ای برگردم و ملاحظه شود که رژیم مذهبی چگونه از سرمایه هایی که کسب کرده استفاده می کند

از آنچه من هم اکنون ترسیم کردم می توان متوجه شد که رژیم مذهبی از دو جنبه "قدرت ملایم" – مانند بنیادگرایی و نفوذ بر گروه های شیعه در منطقه – و هم زمان "قدرت سخت" از طریق هزینه های سنگین تجهیزات نظامی که البته شامل برنامه بسیار گرانقیمت تسلیحات اتمی میشود، استفاده می کند و با دخالت های شرورانه خود، در حادثه آفرینی های خارج مرزی در مکان هایی مانند عراق، لبنان و افغانستان موضوع بحث های زیادی در ماه های گذشته بوده است

بعلاوه، از طریق اعلام اخیر حذف کشور اسرائیل و انکار صریح هولوکاست، رژیم مذهبی قاطعانه خود را بعنوان ریش سفید "جبهه آشتی ناپذیر" تثبیت کرده است. سوریه نه تنها تقریباً هم پیمان است، بلکه محصول ایدئولوژی رژیم، یعنی حزب الله، به این ادعا، باور دارد

قابل ذکر است که این فعالیت «تحریک آمیز» حاکمان بر ایران در میان بخش بزرگی از اعراب و مسلمانان محروم در سراسر جهان پذیرفته شده است

حزب الله در حقیقت رل سه جانبه بازی کرده است که هر یک از موارد در خدمت منافع مذهبیون تهران است

اولاً، حزب الله یک منطقه استراتژیک بر علیه اسرائیل بوجود آورده، نه تنها برای بقیه لبنان و سوریه، بلکه پراهمیت تر برای ایران. جنگ تابستان گذشته در جنوب لبنان بعنوان جانشین جنگ بین ایران و اسرائیل و گسترده تر با آمریکا تلقی شد. بنا بر بیشتر تحلیل ها، در هر نقشه برای حمله غافلگیرانه به تاسیسات اتمی ایران، حزب الله بدون تردید عاملی است که باید بحساب آید

ثانیاً، با سپاسگزاری از پول نفت ایران، حزب الله جامعه شیعه را از مکانیزم عظیم بهزیستی برخوردار نموده است. این در حالیست که میلیونها ایرانی زیر خط فقر زندگی میکنند

به همین دلایل، حزب الله نیروی سیاسی حاکم در لبنان و سست کننده پایه های استقلال در لبنان به نفع سوریه و مانع شکل گیری سیاستی میانه رو در آن کشور شده است

حوادث ناگوار اخیر در لبنان بار دیگر روشنگر رهبری طرح های شرورانه ایران بر علیه حکومت های منتخب دموکراتیک در لبنان است

رهبران رژیم مذهبی در ایران، با ایجاد "جبهه آشتی ناپذیر" رسمیت بیشتری در فلسطین

دارند. ملایان حامی حماس، در رو در رویی با الفتح و مخالفتش با اسرائیل هستند. سایر گروه های رادیکال فلسطینی نیز که امتناع از برسمیت شناختن اسرائیل دارند، هم بتساوی پشتیبانی شده اند. رژیم مذهبی در بن بست کنونی پیشرفت کرده و مایل است آنرا ابدی سازد. زیرا تا زمانی که صلح در خاورمیانه دست نیافتنی است، حزب الله، جهاد اسلامی، حماس و سایر مشتریان ایران و سوریه می توانند مدعی مشروعیت در میان توده های عرب باشند که بنیادگرایی تهران نیز اعتبار سیاسی از آن کسب میکند.

اما اگر به صلح نهایتا نائل آیند، رژیم مذهبی خارج از یک چهارچوب فرقه ای دیگر. قهرمان برای کسی محسوب نمی شود

در عراق وضعیتی پیچیده حاکم است. ایران از اقدامات مخاطره آمیز آمریکا در عراق در طلب سهم است.

همانطوریکه اشاره کردم نیروهایی که حدود ۲۷ سال قبل بوسیله خمینی حمایت شدند برای سرنگونی صدام حسین و بدل سازی انقلاب اسلامی، اکنون در موقعیت تاثیرگذار و یا قدرت هستند. ولی باید تاکید نمود که مخالفت در منطقه با این سیاست حکومت اسلامی ضمنا بطور بی مانندی پیگیری می شود

بقایای بعثی های از قدرت خلع شده که در یک شورش به قبیله های ناراضی سنی پیوسته اند و برای بازسازی برتری خود، احتمالا با مدد القاعده که در ارتباط با شورشیانی هستند که در جستجوی بیرون راندن آمریکا یی ها و شیعه نوکیسه می باشند که جای پای بدست آورند. بعضی از قدرت های منطقه نگران نفوذ ایران و نفوذ شیعه به هزینه سنی ها می باشند. بین هواداران شیعه هم یک جریان پنهانی خصومت و خشم محسوس است. گروه های رقیب نظامی وابسته به شورایعالی انقلاب اسلامی عراق به رهبری عبدالعزیز حکیم یا مقتدا الصدر درگیر جنگ با هدف استیلا بوده اند. آنها در نیروهای امنیتی نفوذ کرده اند و در گروگان گیری و کشتارهای روزمره دخالت دارند

چگونه ملایان حاکم در تهران از شرایط در عراق بنفع خود بهره برداری خواهند کرد؟

مهمترین نکته که باید مد نظر قرارگیرد این است که در روانشناسی ملایان «غریزه محافظت از خود» در عالی ترین مرتبه است. به همین دلیل اولین اولویت آنان باید این باشد که نیروهای آمریکایی را از عراق و افغانستان خارج کنند. استراتژی دست یافتن به این هدف ساده است! تمدید شرایط آشفته کنونی ماورای تحمل جامعه آمریکا و افکار عمومی در آنکشور است. برای رسیدن به این هدف، تعداد تلفات آمریکایی ها در عراق باید افزایش یابد، هم چنین آموزش و تجهیز شورشیان مختلف برای خسته کردن آمریکایی ها باید ادامه پیدا کند

دومین اولویت، اطمینان از جای پای دائمی در عراق و تداوم استیلا حاکمان شیعه کنونی به نخست وزیری مالکی علیرغم رابطه انکار ناپذیر با ایران- کاملاً نمی توان به آنان به عنوان یک متحد متکی بود. لذا رژیم مذهبی در پی آن است که نمونه حزب الله را در آنجا پیاده کند که اطمینان حاصل کند در صورت وقوع جنگ داخلی بعنوان نیروی جانشین عمل خواهد کرد و بدین ترتیب حفاظت نفوذ ایران در عراق را تضمین میکند. چه کسی بغیر از مقتدا الصدر می تواند انتخاب شایسته تری باشد؟ جدایی اخیر وزرا و معاونین الصدر از ائتلاف مالکی گویای شکاف نه تنها در ائتلاف بلکه حتی بین مالکی و جمهوری اسلامی است. باید توجه کرد که بین مراکز اصلی قدرت شیعی، تنها الصدر کاملاً همراه با نظر ایران برای راندن آمریکایی ها از عراق است

سیاست ها و طرح های مشابه در مقیاس کوچکتر در افغانستان نیز جاری است

آیا "هلال شیعی" و سیاست همراه آن بنیادگرایی تهران را به قدرت برتر منطقه تبدیل می کند؟ بعضی از تحلیلگران معتقدند که ایران هم اکنون بعنوان ابرقدرت منطقه ظاهر شده است. همیشه رگه هایی از حقیقت در هر آرزویی وجود دارد. ولی از نظر من، چنین مقدمه سازی اساساً اشتباه و بی محتواست

وسعت و موقعیت جغرافیایی ایران بدون تردید به ایران نقش ابرقدرت منطقه ای را میدهد. کشوری با ۷۰ میلیون جمعیت با مساحت ۶.۱ میلیون کیلومتر مربع که شامل تمامی ساحل شمالی خلیج فارس میشود. مشکل کنونی این است که رژیم مذهبی در صدد آن است که استیلای خود را به ماورای محدوده جغرافیایی اش بکشد. به این جهت موی از نظرات که حامی درگیری و یا مذاکره با رژیم است را بوجود آورده است

در افق مقابل، سقف جدیدی که متعلق به متحدان سنی به رهبری چند کشور کلیدی عربی است، نمایان شده است. امروز این تقابل در عراق و لبنان مشهود تر است. جایی که با سرمایه و پشتیبانی اعراب مسلح هستند، سنی ها نیز مبادرت به الگو برداری از پی ریزی نموده اند که شیعیان در دو دهه گذشته اعمال کرده اند

مذاکره با جمهوری اسلامی

پیش از آنکه گفتار خود را به پایان ببرم، اجازه بدهید چند کلامی در مورد مذاکره با رژیم مذهبی بیان کنم. از آنجایی که چنین برخوردی، همانطوری که گفتم از پشتیبانی گروه بزرگی برخوردار است و در نهایت گروه مقابل کسانی هستند که در مورد گزینه نظامی در قالب حمله نظامی بحث می کنند. من بارها بر مخالفت شدید خود با گزینه نظامی تاکید کرده ام. بعلاوه، طرح بحث در مورد جنگ، می تواند افکار عمومی در داخل کشور را برگرداند و حتی آنان را با رژیم منفره متحد کند. اکثریت ایرانیان احساسات دوستانه ای نسبت به آمریکا و غرب دارند. بنابراین، این مهم است که خود را رها شده نیابند

بدون تردید، گفتگو باید در هر شرایطی جایگاهی برتر داشته باشد. ولی آنانی که مسیر را با هدف اشتباه می‌گیرند و مذاکره را بعنوان درمان قطعی تلقی می‌کنند، مایه تاسف هستند. هنری کسینجر یکبار بدرستی اشاره کرد که "دیپلماسی هرگز در یک خلاء عمل نمی‌کند" دیپلماسی وقتی موفق خواهد شد که طرفین تعقل و یا درک خطرات حاصله از عدم مذاکره که حفاظت از منافع اولیه را اهمیت میدهد، داشته باشند

لازمه اخذ نتیجه از روند بده و بستان در مذاکره، درک عالی است

آیا ملایان حاکم به آن حد شعور رسیده اند؟ پاسخ در قضاوت من منفی است، اگرچه استراتژی عزم جهانی- ناچار به حمله نظامی- می تواند افکار کنونی را متحول کند. چنانچه چند سال قبل ما چنین تحولی را در رفتار سرهنگ معمر قذافی در لیبی مشاهده کردیم

حال، مایلم به موارد زیر تاکید کنم: قاطعانه اعلام می‌نمایم که هرگز به هیچ توافق مداومی با جمهوری اسلامی نائل نخواهند شد، اگر آن توافق بدست آمده با هزینه ملت ایران باشد. برای روشن تر شدن این نکته، باید تاکید کنم، که از آنجایی که بلند پروازی های اتمی ایران در حال حاضر، نقطه تمرکز توجه و مذاقه جهانی است، اغلب ایرانیان امیدوارند که این سطح بی سابقه فشارها، تنها برای کمک به پایان دادن تهدیدی که رژیم مذهبی نسبت به امنیت منطقه و جهان می‌نماید، نباشد. بلکه به همراه مقدمه عصر نوینی باشد که اندیشه هایی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مورد توافق کامل حکومت مسئولی قرار گیرد که متعهد به ایرانیان و بهزیستی آنان باشد

کشور من، ایران، صاحب بیشترین نفوس جوان است، غنی از فرهنگ هزاران ساله و جامعه ای زنده و فعال. در مبارزه مان با رژیم بنیادگرا، هم میهنان من نیاز و استحقاق دارند که از تمامی کمک ها و پشتیبانی های معنوی ممکن برخوردار باشند. تا بتوانند با تغییرات بنیادین و استقرار حکومتی که بتواند با حاکمیتی نوین، یک دموکراسی سکولار را بجای بنیادگرایی کنونی جایگزین نمایند

از شکیبایی شما سپاسگزارم

اینسبروک – اطریش

دوم آبان ماه ۱۳۸۶

<http://www.rezapahlavi.org/speeches/?persian&id=142>